

## درس پنجم

### تواضع

یکی از صفات نیکو و فضیلت‌های برجسته اخلاقی، صفت «تواضع» می‌باشد. «تواضع» به معنای فروتنی کردن است و مقصود از آن افتادگی کردن و شکسته نفسی داشتن، در برابر دیگران است.<sup>۱</sup> ریشه تواضع از «وضع» است به معنای خود را کوچک نشان دادن<sup>۲</sup>، در مقابل تکبر به معنای خود را بزرگ دانستن است.<sup>۳</sup>

عالم اخلاقی ملا احمد نراقی؛ در تعریف اصطلاحی تواضع می‌گوید:

[تواضع] عبارت است از شکسته نفسی که نگذارد آدمی خود را بالاتر از دیگری ببیند.<sup>۴</sup>

البته باید توجه داشت که مفهوم تواضع به معنای کوچکی کردن و به دیگران ارج نهادن است، نه این که انسان خود را خوار کند و زیر بار ذلت رود. مقصود از تواضع این است که انسان سالک خود را از کسانی که از نظر موقعیت و شخصیت از او پایین‌ترند، برتر نداند و در مقابل آنها فروتن و افتاده حال باشد. مرحوم ملامهدی نراقی (ره) علاوه بر اینکه تواضع را به معنای شکسته‌نفسی می‌داند و این حالت نفسانی را مانعی برای برتر دیدن خود بر دیگران، می‌گوید انسان متواضع بایستی سخنانی بگوید و کارهایی انجام دهد که بزرگ کردن دیگران و تکریم آنان را نتیجه دهد.<sup>۵</sup>

یعنی علاوه بر اینکه حالت نفسانی او به گونه‌ای تربیت می‌شود و ساخته می‌گردد که برای خود برتری از دیگران نمی‌بیند، باید در جنبه ایجابی، در سخن و عمل به تکریم دیگران پردازد و در این صورت، بلکه تواضع در جان او ریشه‌دار خواهد بود و او و دیگران از ثمره و جوانه آن بهره‌مند می‌گردند.

در تعریفی دیگر تواضع و دستیابی به این فضیلت ارزشمند، یعنی «خودشناسی» و اینکه انسان نفس خود را آن‌گونه که هست بشناسد و دریابد که انسان‌ها «فقر محض» و «نیاز صرف» می‌باشند و هر چه هست و همه دارایی‌ها برای حق تعالی است:  $\Gamma$  يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ<sup>۶</sup>. اگر انسان در مسیر سیر و سلوک و خودسازی به این مرتبه از خودشناسی برسد به ملکه تواضع دست

۱. ر.ک: لغت‌نامه دهخدا، ذیل عنوان «تواضع».

۲. التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱۳ ص ۱۳۰.

۳. تفسیر القرآن، جلد ۱، ص ۹۱.

۴. معراج السعاده، ص ۲۹۶.

۵. جامع السعادات، ص ۲۳۷.

۶. فاطر (۵۳): ۱۵.

یافته است.

امام خمینی در تعریف و تبیین فضیلت تواضع، به عنوان یکی از جنود عقل می‌گوید:

تواضع اظهار کوچکی کردن است ... انسان چون خودبین و خودخواه است، این خودخواهی و محبت مفرط به نفس، سبب شود که از نقایص و عیوب خود محجوب شود و بدی‌های خود را نبیند، بلکه گاهی بدی‌های خود در نظرش خوبی جلوه کند و فضایل و خوبی‌هایی که دارد، در نظرش مضاعف گردد و به همین نسبت از خوبی دیگران بسیار شود که محجوب شود و بدی‌های آنها در نظرش مضاعف گردد.<sup>۱</sup>

از آنجایی که در حدیث مفصل جنود عقل و جهل، هر یک از فضائل به عنوان یکی از لشکریان عقل شمرده می‌شوند که در مقابل آنها رذیله‌ای به عنوان عضو لشکر جهل قرار دارد؛ ایشان در تعریف و تبیین حقیقت تواضع؛ فقدان ملکه تواضع را به وجود رذیله «کبر» می‌رساند و می‌گوید:

چون کمال خود و نقص دیگران را دید و محبت مفرط به نفس نیز کمک کرد، در نفس یک حالت اعجابی پیدا شود نسبت به خودش. پس از این حالت، در باطن نفس، خود را بر دیگران ترفیع دهد و حالت سربلندی و بزرگی برای او دست دهد و خود را بزرگ‌تر از دیگری ببیند و این حالت، کبر است و چون این حالت قلبی در ملک بدن ظاهر شود، سرکشی و سرفرازی کند و بر دیگران، در ظاهر نیز بزرگی فروشد؛ و این تکبر است.<sup>۲</sup>

امام خمینی یادآور شدند: کبر نیز از صفات نفسانیه است و تکبر اظهار کبر کردن است.<sup>۳</sup>

شهید دستغیب در توضیح تکبر فرموده‌اند:

تکبر استعمال کبر است. یعنی کبر و نخوت درونی خود را در گفتار و کردار آشکار کند. اما در گفتار مانند اینکه تزکیه نفس کند و نبازد که از فلان و بهمان بالاتر و بهتر و کارهایم درست است، عیب و نقصی در من نیست ... و اما کبر در کردار مانند این که متکبرانه راه برود ... یا خادم و اتباع را دنبال خود اندازد و در راه رفتن خود را جلو افراد خود قرار دهد، در مجلس بالاتر از دیگران، به طور بزرگ‌منشی بنشیند و از دیگران فاصله گیرد و با دیگری هم خوراک نشود، از نشستن و هم سخن شدن با فقرا پرهیز نماید.<sup>۴</sup>

اما در هر حال کبر به عنوان صفتی از صفات نفسانیه و تکبر به عنوان اظهار کبر و بزرگی در برابر دیگران، رذیله‌ای اخلاقی است در برابر «تواضع» که سزاوار است انسان سالک طریق سعادت و طالب

۱. شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص ۳۳۳-۳۳۴.

۲. شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص ۳۳۴.

۳. شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص ۳۳.

۴. قلب سلیم، ص ۴۸۴-۴۸۵.

کمال بدان آراسته گردد.

### تواضع فطری انسان

در میان آفریده‌های بی‌شمار الهی، آفرینش انسان متفاوت و متمایز می‌باشد و انسان برترین آفریده‌ها است و آفریدگار حکیم در کنار اینکه این موجود و آفریده ممتاز را آزاد و مختار و انتخاب‌گر آفرید؛ زمینه‌های نیل به کمال و رسیدن به سعادت را در وجود او قرار داد و آن «فطرت» فطرتی که تغییر و تبدیلی در آن نیست.

امام خمینی فضیلت تواضع را فطری انسان می‌داند، همان فطرتی که خمیره وجودی او می‌باشد و به همین خاطر متواضع بودن و در برابر دیگران تواضع داشتن به مانند شنا کردن در جهت مخالف حرکت آب نمی‌باشد، بلکه شنا کردن در جهت موافق حرکت آب می‌باشد.

یکی از فطرت‌هایی که تمام عائله بشری بر آن مخمورند، به طوری که در تمام افراد این نوع، احدی را برخلاف آن نتوان یافت، تواضع و فروتنی و تعظیم، پیش‌عظیم و بزرگ است. قلب انسانی اگر عظمت و بزرگی کسی را ادراک کرد، ناچار و از روی جبلت و فطرت (بدون اعمال رویه) از او تعظیم کند و در پیشگاه او سر کوچکی فرود آورد و متواضع و فروتن شود. و به تبع این تواضع و فروتنی برای آن بزرگ، برای توابع و بستگان او نیز متواضع شود.<sup>۱</sup>

ایشان در حالی که فضیلت تواضع را امری فطری در انسان می‌داند، آن را عملی موحدانه و توجه به حق تعالی می‌داند:

صاحب این فطرت غیر محجوبه، در عین حال که برای جمیع مخلوقات تواضع می‌کند، جز برای حق تعالی تواضع نکند و وجه قلبش جز به ذات مقدس حق تعالی نیست، و این تکثیر، عین توحید و این توجه به خلق، عین توجه به حق است، و چون این خلق از سرچشمه معرفت و محبت است، خود عین معرفت الله و محبت الله است.<sup>۲</sup>

### رذیله کبر و تکبر

در خلال توصیف و بررسی فضیلت تواضع، از صفت زشت و رذیله خطرناک «کبر» و «تکبر» نیز سخن به میان آمده است، و اینکه اگر تواضع عامل ترقی و صعود سالک الی الله است، تکبر رذیلتی است که سقوط و تباهی را برای انسان به دنبال دارد. اگر جانی مبتلا به مرض کبر گردد و روحی از بلای تکبر در رنج باشد، هم عندالله بی‌مقدار است و هم نزد مردمان منفور و مطرود می‌باشد. شخص متکبر گرچه

<sup>۱</sup> شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص ۳۵۳-۳۵۴.

<sup>۲</sup> شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص ۳۵۴.

در پندار خود، خویشتن را بزرگتر از دیگران می‌بیند، ولی باطن این پندار غلط همان حقارت و کوچکی نفس او است که چنین نمود سراب‌گونه و شیطانی می‌یابد:

صورت غبیهٔ تکبر، صورت مورچه ضعیف است، و شاید این صورت برزخیه قیامتیه، برای کوچک و صغیه بودن نفسِ شخص متکبر باشد، چنان‌که معلوم شد که تکبر از کوچکی حوصله و ضعف نفس و ضیق صدر است. و چون معنا و لبّ متکبر، کوچک است و صور غبیه ملکوتیه، تابع ملکات نفسانیه است و بدن ظلّ روح است در عالم ملکوت، و تعصّی از تبعیت آن ندارد، پس کوچکی و حقارت روح به بدن سرایت می‌کند و آن را به صورت حیوان کوچک بی‌مقداری درآورد که در زیر پای مخلوق پایمال شود تا مردم از حساب فارغ شوند.<sup>۱</sup>

صفت زشت تکبر و کبر ورزیدن، تنها آخرت متکبر را تباہ نمی‌سازد، بلکه دنیای او را هم به مانند آخرتش تیره و تار می‌کند؛ وقتی او دیگران را به دیده تحقیر و کوچکی نگاه کند، دیگران نیز با او مقابله خواهند کرد:

این صفت زشت ناهنجار هم فی نفسه دارای مفسد است و هم از او مفسد بسیار زاییده شود. این رذیله انسان را از کمالات ظاهری و باطنی و از حظوظ دنیوی و اخروی باز دارد، و تولید بغض و عداوت کند و انسان را از چشم خلاق بیندازد و پست و ناچیز کند، و مردم را وادار کند که با او معارضهٔ به مثل کنند و او را خوار کنند و تحقیر نمایند.<sup>۲</sup>

بیماری کبر و آلوده شدن جان آدمی به تکبر و خود برتر بینی و محروم شدن از تواضع و فروتنی، ریشه در نادانی و محروم بودن از نعمت عقل است:

تکبر نیست مگر از غایت جهل و نادانی! هر کس جهلش بیشتر و عقلش ناقص‌تر است، کبرش بیشتر است. هر کس علمش بیشتر و روحش بزرگ‌تر و صدرش منشرح‌تر است، متواضع‌تر است.<sup>۳</sup>

پس رفتار زشت تکبر آلود، میوه شوره‌زار کم‌عقلی و ثمره مزرعه جهالت و نادانی است که موجب تباہی جان و روح آدمی می‌شود و برای انسان سالک طالب سعادت لازم است، جان خویش را از این رذیله تباہ‌کننده بپیراید و آراسته به تواضع گردد و فروتنی را خُلق خود قرار دهد تا محبوبیت در میان هم‌نوعان و سعادت سرای باقی را به دست آورد.

۱. شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص ۳۴۹-۳۵۰

۲. شرح جهل حدیث، ص ۸۵

۳. شرح جهل حدیث، ص ۹۵

